

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

هستی و چیستی

در این درس به نکات زیر توجه میکنیم:

قدم های چهارگانه برای شناخت یک واقعیت در ذهن و خارج از ذهن
آشنایی با تفاوت اول بودن زمانی و اول بودن ذاتی
آشنایی با دو مفهوم "هستی" و "چیستی" و تعیین نسبت بین آن دو
آشنایی با دوجنبه از یک واقعیت خارجی واحد و غیر مرکب
آشنایی با مغایرت وجود و ماهیت و ارائه برهان بر آن
توجه به مغایرت وجود و ماهیت در ذهن و در خارج از ذهن
گذر تاریخی بر فلسفه و مباحث اولیه آن

مباحث اولیه فلسفه

بحث از شناخت و آگاهی همواره یکی از موضوعات بنیادی در فلسفه و روان شناسی به شمار می آمده است. انسان از بدو تولد در حال شناختن جهان پیرامون خود با روش های مختلف (حسی و تجربی و...) است و سوالاتی پیرامون آن مطرح میکند. این سوالات در واقع پیرامون دو مبحث **هستی** و **چیستی** در گردش است و آغاز شناخت هر چیزی را با پرسش از **هستی** و **چیستی** آن همراه می کند.

نکته مهم

گفتیم **هستی** (وجود) و **چیستی** (ماهیت) از مباحث اولیه فلسفه هستند اما این اول بودن به معنای تقدم زمانی نیست .
به عبارت دیگر ، فکر نکنید که اولین مسئله ای که از نظر تاریخی به آن توجه شد ، **هستی** و **چیستی** است!
اول بودن در این مورد به معنای آن است که در مرحله اول در شناخت ، انسان با **هستی** و **چیستی** سر و کار دارد و این اول بودن به اهمیت مبحث **هستی** و **چیستی** اشاره میکند، نه زمان توجه به آن را!

یکی از مباحث اولیه فلسفه . ← **هستی** و **چیستی** (وجود و ماهیت)
کهن ترین مبحث فلسفه . ← **علت** و **معلول** (در دروس بعدی خواهیم خواند)

توجه دقیق به متن کتاب درسی

۱- از پر کاربرد ترین مفاهیم فلسفی هستند.

۲- معمولا در کنار یکدیگر به کار میروند.

هستی و چیستی

قدم های چهارگانه برای شناخت هستی و چیستی و تعیین نسبت میان آن ها

برای درک مفهوم هستی و چیستی ، نیاز است ۴ قدم را بیماییم.

قدم های ۴ گانه شناخت (علت) ← درک دو مفهوم وجود و ماهیت (معلول)

نکته مهم

تعیین نسبت میان وجود و ماهیت ، ارتباطی با نسبت های چهارگانه که در منطق خواندید ، ندارد!

قدم اول:

وقتی تشنه می شویم ، آب میخوریم.

وقتی گرسنه می شویم ، غذا میخوریم.

وقتی دلمان برای دوستی تنگ می شود ، به دیدار او میرویم.

همه موارد بالا ، حاکی از آن است که بعد از احساس کردن چیزی در ذهنمان ، در عالم خارج به دنبال تحقق آن هستیم.

در مثال های بالا ، در ذهن خود قویا به وجود خارجی اعتقاد داشتیم ، چه آنکه اگر اعتقادی نداشتیم که مثلا آب وجود دارد ، برای رفع تشنگی سراغ آن نمیرفتیم.

برعکس مثال های بالا نیز ، وجود دارد.

گاهی اوقات چیز هایی را فکر میکنیم وجود دارند که در واقعیت نیستند.

مثلا در بیابان ممکن است فکر کنیم آب وجود دارد اما وقتی دقیق تر شویم آبی پیدا نکنیم و درک اولیه ما ، سراب را با آب اشتباه گرفته باشد.

در واقع در مثال های مذکور به صورت ناخداگاه به وجود داشتن چند چیز تصدیق میکند.

اولا : ما وجود داریم.

دوما : اطراف ما چیز هایی وجود دارند.

سوما : ما میتوانیم نسبت به جهان اطراف خود ، به شناخت برسیم.

توجه دقیق به متن کتاب درسی

تصدیق واقعیت و وجود داشتن که در قدم اول به صورت ذهنی اتفاق می افتد ، از بدو تولد و کودکی است. برای تصدیق وجود و ماهیت ، لزوما به بعد به گذشته نیاز نیست و با یک سیر عقلانی نیز میتوان به آن رسید.

قدم دوم:

این چیست؟
آن چیست؟

سوالات بالا در برخورد با بسیاری از پدیده ها و اشیا اطراف برای ما پیش می آید . (سوال ثابت است)
بر حسب آن پدیده به سوال بالا پاسخ داده می شود. (پاسخ ها متفاوت است)

این چیست



ماهیت وجود

وقتی سوال بالا را میپرسیم ، در واقع ناخداگاه پیش فرض هایی را در ذهن داریم:

اولا: این اشیا و پدیده ها وجود دارند که به دنبال فهمیدن چه چیزی بودن (ماهیت) آن هستیم.
دوما: ما میتوانیم نسبت به جهان اطراف خود ، به شناخت برسیم. (میتوانیم پاسخ این سوالات را به دست آوریم)

نتیجه گیری از بحث بالا:
وجود (هستی) امر مشترک میان موجودات هست.
ماهیت (چیستی) امر خاص و وجه افتراق میان موجودات هست.

نکته

تصدیق وجود مشتمل بر وجودات ، لزوما نباید با اسم اشاره همراه باشد چرا که گاهی از وجود اشیا خیالی نیز سوال میپرسیم و چون در عالم خارج نیستند ، نمیتوانیم آن را با اسم اشاره همراه کنیم.

دیو شش سر پرنده چیست ؟ ✓

این دیو شش سر پرنده چیست ؟ ×

توجه دقیق به متن کتاب درسی

انسان در هر چیزی که نگاه میکند دو جنبه می بابد :

۱- موجود بودن = وجود = هستی = جنبه مشترک بین اشیا

۲- چیستی داشتن = ماهیت = جنبه خاص بین اشیا

قدم سوم:

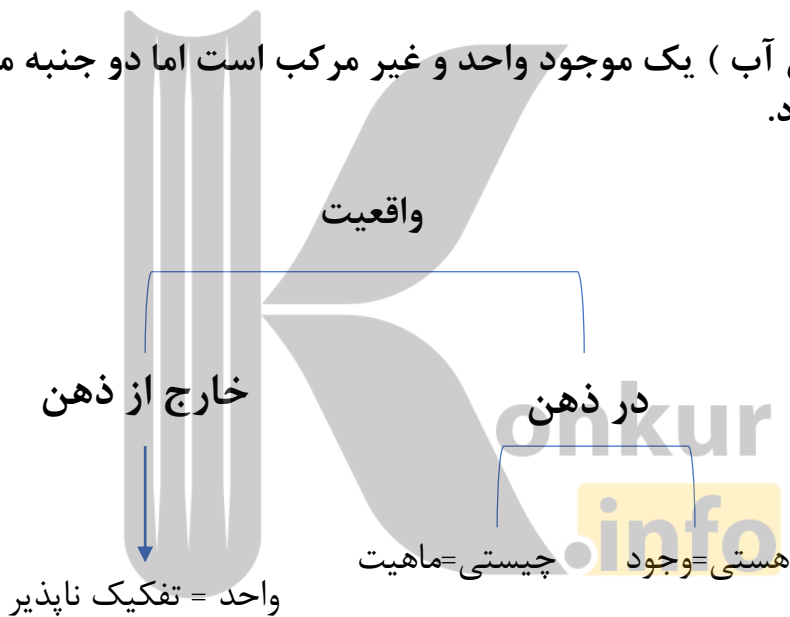
آب از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن به وجود آمده است. (وجود مرکب از دو عنصر H و O است.

آیا وقتی میگوییم اشیا پیرامون ما از وجود و ماهیت به وجود آمده اند، به این معناست که مثل آب، قابل تجزیه به دو قسمت وجود و ماهیت هستند و مثلا میتوانیم وجود آب را بدون ماهیت آن نشان دهیم؟

پاسخ به سوال بالا، بسیار ساده است.

وجود و ماهیت تنها در ذهن از هم تفکیک پذیر هستند و میتوانیم آن ها را از هم تفکیک کنیم و در عالم خارج چنین کاری ممکن نیست.

نکته: هر واقعیتی (مثل آب) یک موجود واحد و غیر مرکب است اما دو جنبه مختلف دارد که در ذهن تفکیک می شود.



فارا بن چه میگوید؟

او توجه ویژه ای به نسبت میان دو مفهوم وجود و ماهیت داشت. نکات و برهان های مهمی در خصوص مغایرت دو مفهوم وجود و ماهیت ارائه داد. پیش از دیگران به این موضوع توجه کرد. ابن سینا راه او را ادامه داد.

ابن سینا چه میگوید؟

۱- مثال آب و تفکیک هیدروژن و اکسیژن که در صفحه قبلی زده شد را در بیان تفاوت وجود و ماهیت در ذهن و یکسان بودن آن ها در خارج از ذهن میگوید.

۲- صراحتاً اشاره میکند که وجود و ماهیت (هستی و چیستی) دو جنبه از یک چیز واحد هستند.

۳- در واقع مخالف این عقیده است که وجود و ماهیت در یک شی ترکیب شده اند و عقیده دارد وجود غیر مرکب است و وجود و ماهیت تنها دو روی یک سکه هستند.

۴- ادامه دهنده راه فارابی است.

۳ گزاره مهم از ابن سینا

۱- در اطراف ما اشیای فراوانی هستند که هم چیستی (ماهیت) و هم هستی آن ها (وجود) را میشناسیم.
مثل آب

۲- برخی امور هستند که از هستی (وجود) شان خبر داریم اما چیستی (ماهیت) آن ها خبر نداریم.
مثل رد نوری که در شبی تاریک از دور میبینیم و میدانیم که چیزی آنجا وجود دارد اما نمیدانیم که چیست.

۳- چیستی (ماهیت) های گوناگونی را میتوانیم در ذهن خود فرض کنیم درحالی که میدانیم هرگز وجود نداشته اند.
مثل دیو شش سر یا انسان پرنده.

برخی هستی ها بدون چیستی فرض میشوند.

جمع بندی گزاره ۲ و ۳ به زبان دیگر :

برخی چیستی ها بدون هستی فرض میشوند.

جمع بنده گزاره های بالا

گزاره های فوق مربوط به زندگی روزمره میشوند اما تبیین فلسفی دارند که در ذیل بیان میشود:

۱- آگاهی به وجود و ماهیت به صورت همزمان

۲- آگاهی داشتن به وجود و آگاهی نداشتن به ماهیت

۳- آگاهی داشتن به ماهیت و آگاهی نداشتن به وجود

مقدمه :

گزاره " انسان ، حیوان ناطق است " با " انسان موجود است " از نظر حمل متفاوت هستند.

هدف :

بیان تمایز حمل " وجود بر ماهیت " و " ماهیت بر ماهیت "

خلاصه :

حمل " وجود بر ماهیت " به دلیل نیاز دارد . (شایع صناعی است)
حمل " ماهیت بر ماهیت " به دلیل نیاز ندارد . (اولی ذاتی است)

پیش نیاز :

حمل چیست ؟

نسبت دادن موضوع به محمول را حمل کردن می گویند . به عبارت دیگر در این کار ، محمول بر موضوع حمل می شود . (در مثال های بالا ، حیوان ناطق بر انسان و موجود بر انسان حمل می شوند.)

به بیان دیگر ، حمل یک رابطه " این همانی " را نشان میدهد که موضوع به محمول یا برعکس نسبت داده می شود . (میگوییم الف همان ب است)

توضیح در صفحه بعدی !

عرضی لازم البین (خارج از کتاب درسی)

ذاتی اولی

۱- حمل ضروری

۲- حمل غیر ضروری ← شایع صناعی

نکته مهم :

تقسیم بندی بالا به صورت مستقیم در کتاب درسی نیامده است اما برای درک تفاوت بین انواع حمل و تشخیص بسیار ساده آن ، نیاز است به این تقسیم بندی توجه داشته باشید . (مطمئن باشید بهتر از همه این موضوع سخت رو یاد میگیرد 😊)

مبنا :

نیازمند علت بودن

نسبت دادن موضوع به محمول یا برعکس ، در ۶ حالت ضروری است و به دلیل نیاز ندارد .

به عبارت دیگر ، وقتی گزاره " انسان حیوان است " را بیان میکنیم ، نمیتوانیم دلیلی برای حیوان بودن انسان بیان کنیم و انسان بلضروه حیوان است و ما آن را پذیرفته ایم.

۱. حمل به نحو ضرورت ازلی، مانند: خداوند همیشه زنده است.
۲. حمل به نحو ضرورت ذاتی، مانند : همه انسان ها بالضروره حیوان اند.
- ۳- حمل هرچیزی بر خودش ، مانند : همه انسان ها انسان هستند.
۴. حمل به نحو ضرورت وصفیه، مانند : انسان حیوان ناطق است.
۵. حمل به نحو ضرورت در وقت معین؛ مانند: ماه شب ها در آسمان است.
۶. حمل به نحو ضرورت در وقت غیر معین؛ مانند: انسان مادامی که زنده است ، نفس می کشد.

۱-۱ - حمل ذاتی اولی

همان حمل ضروری است که به دلیل نیاز ندارد اما بین موضوع و محمول آن رابطه تساوی از نظر مفهومی و مصداقی وجود دارد. (یعنی میتوانیم آن ها را به جای یکدیگر به کار ببریم. به جای انسان بگوییم حیوان ناطق و به جای حیوان ناطق بگوییم انسان)

در ۶ مورد بالا ، تنها مورد دوم و سوم حمل ذاتی اولی هستند.

نکته : هر حمل ضروری و بدون نیاز به دلیلی ، حمل ذاتی اولی نیست .

به صورت کلی در ۲ حالت حمل ذاتی اولی داریم :

ترکیبی با منطقی !!

- ۱- حمل هرچیزی بر خودش (حمل ماهیت بر ماهیت)
 - ۲- حمل تمام ذاتیات بر ذات (حمل جنس + فصل بر نوع)
- ↓ ↓ ↓
- انسان ناطق حیوان

ویزگی های حمل اولی ذاتی :

- ۱- بین موضوع و محمول رابطه " این همانی " برقرار است . (میگوییم الف همان ب است)
- ۲- نسبت بین موضوع و محمول رابطه تساوی برقرار است. (حتی مجاز به برقراری رابطه عموم و خصوص مطلق هم نیستیم)
- ۳- موضوع و محمول از یکدیگر جدایی نا پذیر اند.
- ۴- تفاوت موضوع و محمول ، صرفا در گستردگی شان است. (حیوان ناطق ، مفهوم گسترده انسان است اما هر دو یک مصداق اند)
- ۵- حمل محمول بر موضوع به دلیل نیاز ندارد.

نسبت دادن موضوع به محمول به نحوی که مثل ذاتی اولی به دلیل نیاز ندارد اما به جای ذاتی در آن از عرض استفاده شده .

به عبارت دیگر ، ابتدا باید ذاتی اولی در آن اثبات شود تا به عرضی لازم البین رسید. (ذاتی باید اثبات شود تا عرض ثابت شود)

مثلا

مثلث سه زوایه است ، حمل ضروری عرض لازم البین است اما مثلث سه ضلعی است ، ذاتی اولی است ، چرا که ابتدا باید سه ضلعی بودن مثلث ثابت شود تا سه زاویه بودن آن پدید بیاید .
انسان ضاحک است ، حمل حمل ضروری عرض لازم البین است اما انسان ناطق است ، ذاتی اولی است ، چرا که ابتدا باید ناطق بودن انسان ثابت شود تا ضاحک بودن آن پدید بیاید

نکته : اگر در گزاره از فصل استفاده شده بود ، حمل ذاتی اولی است اما اگر از عرض استفاده شده بود ، ممکن است عرضی لازم البین باشد.

نکته : در حمل عرضی لازم البین بودن ، علی رغم ضروری بودن ، رابطه بین موضوع و محمول تساوی نیست .

پس کار راحتی برای تشخیص ذاتی اولی دارید ! کافی است نسبت بین موضوع و محمول تساوی باشد و به دلیل نیاز نداشته باشد.

۲- حمل شایع صناعی

اثبات آن به دلیل نیاز دارد.

مثلا : انسان موجود است .

آیا موجود بودن را میتوانیم به کل مفهوم انسان نسبت دهیم ؟ **خیر!**
آیا موجود بودن بر انسان های گذشته که در حال حاضر نیستند ، حمل می شود ؟ **خیر!**
آیا موجود بودن بر انسان های آینده که در حال حاضر خلق نشده اند ، حمل می شود ؟ **خیر!**

نسبت بین موضوع و محمول در حمل شایع صناعی ، تساوی نیست !

رابطه " این همانی " بین آن برقرار نیست!

اتحاد و یکسان بودن یا فقط در مفهوم است یا فقط در مصداق (درحالی که در حمل ذاتی اولی ، اتحاد هم در مفهوم است و هم در مصداق)

توجه به یک نکته مهم

با توجه به اینکه در کتاب درسی به حمل عرضی لازم البین اشاره نشده است ، در تست ها هر جا تشخیص دادید گزاره ای عرضی لازم البین است ، شایع صناعی را انتخاب کنید .
در واقع در این کتاب به این دلیل به حمل عرضی لازم البین اشاره شد که آن را با حمل ذاتی اولی اشتباه نگیرید.

فرمول تشخیص ذاتی اولی از شایع صناعی

ممکن بود ← حمل اولی ذاتی است
ممکن نبود ← حمل شایع صناعی است

به جای موضوع محمول را میگذاریم

مثال :

انسان حیوان ناطق است. میتوانیم هر جا حیوان ناطق دیدیم ، جای آن انسان بگذاریم ؟ ← بله
ذاتی اولی است. میتوانیم هر جا انسان دیدیم ، جای آن حیوان ناطق بگذاریم ؟ ← بله

انسان پولدار است. میتوانیم هر جا پولدار دیدیم ، جای آن انسان بگذاریم ؟ ← خیر
شایع صناعی است. میتوانیم هر جا انسان دیدیم ، جای آن پولدار بگذاریم ؟ ← خیر

پایان دادن به یک اختلاف !!!

انسان حیوان است.
عدد کم است.
دایره خط است.

شایع صناعی است.

مفهوم (حیوان ، کم ، خط) " جنس " (انسان، عدد، دایره) است و عام تر از نوع یا ذات خود است .

رابطه میان موضوع و محمول در قضایای نام برده ، تساوی نیست و با توجه به اشاره مستقیم کتاب درسی در این خصوص ، نمیتوان آن ها را حمل ذاتی اولی در نظر گرفت . (علی رغم اینکه ضروری است و به دلیل نیاز ندارد.)

نکته مهم

اگر جای موضوع و محمول حمل ذاتی اولی عوض شود ، دیگر حمل ذاتی اولی نداریم!

ذات بر ذاتی تقدم دارد!!!

<https://konkur.info>

حیوان ناطق انسان است ← حمل شایع صناعی

نام دیگر برهان مغایرت وجود و ماهیت

۱- زیادت وجود بر ماهیت
۲- انفکاک وجود بر ماهیت
۳- دوگانگی وجود و ماهیت

در ذهن

وجود و ماهیت اگر عین (مانند) یا شامل یکدیگر باشند :

- ۱- صرف تصور یک مفهوم برای ایجاد آن کافی بود. (همین که فکر کنیم به ماهیت چیزی در ذهن ، به وجود می آمد)
- ۲- اثبات وجود چیزی به دلیل نیاز نداشت. (نام بردن از هر ماهیتی مساوی فرض تصور وجود برای آن می شد)
- ۳- ممکن الوجود معنا نداشت و همه چیز بلضوره وجود پیدا می کرد.
- ۴- وحدت و کثرت بین موجودات از بین می رفت . (وجود عامل وحدت و ماهیت عامل کثرت است ، اگر مانند هم باشند ، ویژگی های خاص آنان از بین می رود)
- ۵- هر چیزی که وجود نسبت داده میشد الزاما به ماهیت هم نسبت داده می شد و برعکس
- ۶- امکان سلب وجود از هیچ ماهیتی وجود نداشت و همه چیز همیشه وجود داشت.

نکته : مورد ۴ فقط در صورتی پیش می آید که وجود و ماهیت مانند یکدیگر باشند نه شامل و جز یکدیگر.

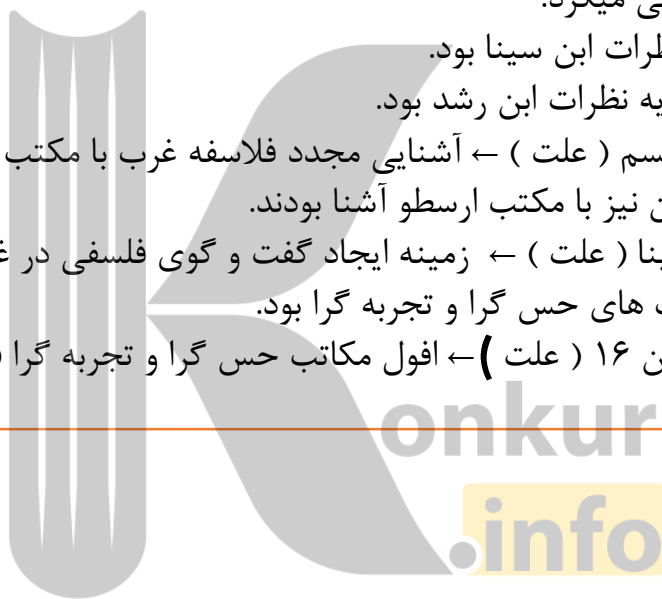
نکته!!!

نسبت بین حمل اولی ذاتی با حمل ضروری عموم و خصوص مطلق است.
نسبت بین حمل شایع صناعی با حمل غیرحضوری ، عموم و خصوص مطلق است.
نسبت بین حمل شایع صناعی و ذاتی اولی ، تباین است.

گذری تاریخی

- ۱- ابن سینا و فارابی به مغایرت وجود و ماهیت توجه ویژه داشته اند.
- ۲- ابن سینا و فارابی اولین فیلسوفانی نبودند که به این موضوع توجه داشته اند و پیش از آن نیز به این موضوع توسط فیلسوفانی مانند ارسطو توجه میشده. (در کتاب مابعدالطبیعه ارسطو)
- ۳- مغایرت بین وجود و ماهیت از اساسی ترین آرای فلسفی است و مختص به فلسفه اسلامی نیست.
- ۴- مغایرت وجود و ماهیت ، مقدمه و اساس برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات خدا است.

- ۱- با فلسفه ابن سینا آشنا بود . (حرفی از آشنایی کامل یا اجمالی زده نشده)
- ۲- اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد.
- ۳- موجب مناقشات فراوانی در اروپا شد.
- ۴- تلاش اکوئیناس برای گسترش فلسفه ابن سینا (علت) ← ایجاد مناقشات فراوان در اروپا (معلول)
- ۵- شباهت با ابن سینا
۱- برخی آرا و نظرات فلسفی
۲- مبنا قرار دادن اصل مغایرت وجود و ماهیت در ذهن برای اثبات خدا
۳- برخی آرا در خداشناسی
- ۶- پایه گذار مکتب تومیسم در اروپا شد که هنوز با نام وی در جریان است.
- ۷- در قرن ۱۳ میلادی زندگی میکرد.
- ۸- مکتب او بیشتر بر پایه نظرات ابن سینا بود.
- ۹- مکتب او تا حدودی بر پایه نظرات ابن رشد بود.
- ۱۰- پایه گذاری مکتب تومیسم (علت) ← آشنایی مجدد فلاسفه غرب با مکتب ارسطو (معلول)
- ۱۱- فلاسفه غرب پیش از آن نیز با مکتب ارسطو آشنا بودند.
- ۱۲- توجه به نظرات ابن سینا (علت) ← زمینه ایجاد گفت و گوی فلسفی در غرب تا امروز (معلول)
- ۱۳- مکتب تومیسم از مکتب های حس گرا و تجربه گرا بود.
- ۱۴- رشد تجربه گرایی از قرن ۱۶ (علت) ← افول مکاتب حس گرا و تجربه گرا (معلول)



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>